

مطالعه ایران باستان در قرن بیستم^۱

مقاله‌ی حاضر گسترش مطالعات ایران باستان را مورد بحث قرار می‌دهد، یعنی اهمیت اکتشافات زبان‌شناختی، باستان‌شناختی، مذهبی و تاریخی را در قرن بیستم مورد بحث قرار داده و به بررسی چگونگی تأثیر این اکتشافات بر دیدگاه‌های ما درباره ایران باستان و تأثیر آن بر هویت ایرانی مدرن پرداخته است. همچنین این مقاله استفاده و سوء استفاده دولت از مطالعات ایران باستان را پیشاپیش گزارش می‌دهد و تمرکزش را به قیمت ندیده گرفتن سلسله‌های اشکانی و ساسانی بر یافته‌هایی که به تازگی درباره امپراطوری هخامنشی کشف شده، قرار داده است.

■ نویسنده: دکتر تورج دریایی^{۲*}

■ ترجمه‌ی: پرویز حسین طلایی^{۳*}

مطالعه‌ی ایران باستان در نیمه‌ی دوم قرن نوزدهم با جدیت تمام در اروپا آغاز شد. به واسطه‌ی کار زبان‌شناسان آلمانی بر روی اوستا، تلاش صاحب‌منصبان بریتانیایی برای جهت‌دهی پژوهش‌های محققان در راستای مطالعه‌ی کتیبه‌های پارسی باستان و حفاری‌های فرانسوی‌ها در شوش، جهان ایران باستان دوباره مورد کاوش و تحقیق قرار گرفت، البته بدون این که اطلاعات زیادی درباره ایرانیان وجود داشته باشد. این اکتشاف‌ها و تلاش‌ها درباره یک مقطع از تاریخ ایران رخ داده است و این در حالی است که تحقیقاتی که درباره تاریخ قاجارها و مهم‌تر از آن‌ها تاریخ پهلوی صورت گرفته است، نه تنها به بررسی گذشته تاریخی آن‌ها پرداخته بلکه از آن‌ها به عنوان بخشی از پیکره‌ی دولت برای یکپارچه کردن ملت بهره گرفته شده است. به این معنی که کنش متقابل بین تحقیقات علمی - پژوهشی و برنامه‌ی کاری دولتی که هدفش ایجاد تصویری جدید از دولت - ملت ایران است، دیده می‌شود. در این مقاله، اشاره‌ای نیز به مهم‌ترین اکتشافات و آثاری که در عرصه مطالعات باستانی ایران در قرن گذشته انجام شده، می‌شود. این مقاله به دلیل سازماندهی و وضوح بخشیدن به چهار مقوله تقسیم می‌شود که عبارتند از: زبان‌شناسی و مذهب ایرانیان؛ باستان‌شناسی و مواد فرهنگی؛ مذهب؛ و تاریخ.

زبان‌شناسی و مذهب ایرانیان

محققان اروپایی جهت رسیدگی و بررسی زبان و متون ادبی باقی‌مانده از جهان کهن ایرانی نیازی به این نداشتند که در ایران باشند. درواقع، ارتباط بین محققان و شواهد متنی و ادبی کهن ایران، اولین بار در هند رخ داده

پیرارت و اسکرُو در بسیاری از مقالات به ویژه در مجله آسیاتیک^{۲۱} و سایر مجلات، به گونه‌های متفاوت، از مطالب تازه‌تر اوستایی بحث کرده‌اند.^{۲۲} کار رونالد جی. کنت (محقق هند و اروپائی) در زمینه پارسی باستان، بهترین و گسترده‌ترین منبع مورد استفاده برای کتیبه‌های هخامنشی است.^{۲۳} تا قبل از پایان قرن، کتاب **پیر لوکوک** درباره کتیبه‌های پارسی باستان ترجمه‌ای را فراهم کرد که بر حسب سنت‌های فرهنگی - اجتماعی امپراتوری هخامنشی بوده است.^{۲۴} اما این **رودیگر اشمیت**^{۲۵} بود که بیشتر دوره حرفه‌اش را صرف خلق تحقیقی کامل درباره کتیبه‌ها و زبان فارسی باستان کرد. مقاله مهم و معروف او درباره «تحقیقات فارسی باستان در قرن بیستم» زمینه‌ای را برای تلاش‌های وی در این زمینه برای سه دهه فراهم کرد.^{۲۶} در سال ۱۹۹۱، طولانی‌ترین کتیبه فارسی باستان، یعنی کتیبه بیستون دارپوش، با یادداشت‌هایی ترجمه شده بود و در سال ۲۰۰۰ سایر کتیبه‌های قدیمی فارسی توسط خود او منتشر شد.^{۲۷} مدارک و اکتشافات مربوط به «تورفان» همه چیز را در حوزه مطالعات ایران میانه، تغییر داد. استاد و پیشگام این حوزه مطالعاتی، والتر بی هنینگ^{۲۸} بود که برای نخستین بار به واسطه‌ی معلم‌اش (فردریک کارل آندریاس)^{۲۹} به این متون دسترسی پیدا کرد. پس از آن، هنینگ به نشر و ترجمه‌هایی از سغدی نوین، پارتی، خوارزمی و متون فارسی میانه، مبادرت ورزید. هنینگ به سبب رویکرد موشکافانه و چشم‌های تیزبین در کشف جزئیات، مشهور است. مطالعه‌ی دو جلدی^{۳۰} وی در مجلدات آکتا ایرانیکا^{۳۱}، شاهدهی بر این مدعا است.^{۳۲}

دی.ان. مکنزی^{۳۳}، احسان. یارشاطر، مری بویس، جی. آذریای^{۳۴} و ام. شوارتز^{۳۵} برخی از دانشجویان وی هستند که در حوزه «مطالعات ایرانی» ادامه تحصیل داده‌اند و سهم مهمی را در حوزه‌های زبان ایران میانه، گویش‌های ایرانی، دین زرتشتی، تاریخ هنر ایران و زبان‌شناسی ایرانی به خود اختصاص داده‌اند. هنینگ و استاد وی در نخستین تحقیقش، در افشای اسرار متون مانوی در سغد، اشکانی و فارسی میانه نقشی درخور داشته‌اند و این امر انگیزه‌ای برای تحقیق اولیه مری بویس درباره زبان‌شناسی سروده‌های مانوی در اشکانی و نظامنامه‌ی او درباره فارسی میانه‌ی مانوی و ادبیات و زبان اشکانی فراهم ساخته است.^{۳۶} دیگر سهم عمده بویس در حوزه مطالعات زرتشتی بود که در بخش زیر به آن رسیدگی می‌شود. دانشجوی هنینگ، (دی.ان. مکنزی) در زمینه زبان‌شناسی ایرانی میانه، کار بر روی متون سغدی بودایی، شناخت گویش کردی، تمام متون مهم فارسی میانه مانوی، شاپورگان، و واژه نامه پهلوی بر دیگران برتری داشته است.^{۳۷} **ورنر ساندرمن**^{۳۸} نیز در زمینه مطالعات مانوی به همراه ن. سیمز ویلیام^{۳۹} سهم قابل توجهی داشتند.^{۴۰} خنتی، زبان سکاهای ایرانی، که بستر آن در ختن^{۴۱} (ترکستان چین) است، یک زبان دیگر ایرانی میانه است که در محدوده‌ی تحقیق تعداد اندکی از محققان بوده است؛ که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: استن کونو^{۴۲} و اچ. دابلویبیلی^{۴۳} در نیمه اول قرن بیستم و سپس آرای^{۴۴}. امریک^{۴۵}. اسناد جدید باختری نیز حوزه‌ای جدید را در زبان‌شناسی ایرانی گشوده است که این امر مرهون زحمات ان. سیمز ویلیامز^{۴۶} است. بالاخره، ما نباید واژه نامه‌های مهم سغدی بدر الزمان قریب^{۴۷} که برای همیشه به یادگار

است. جامعه پارسی به این کوشش محققانه کمک کرد که نسخه‌های خطی زرتشتی که به محققان و ماجراجویان داده یا فروخته شده بود به دانشگاه‌ها، کتابخانه‌ها و موزه‌ها در اروپا برگردانده شوند. درحالی که بنیان‌های بررسی نوشته‌های زرتشتی و سایر نوشته‌های کهن ایرانی توسط افرادی از قبیل **ای. دابلویوست**^{۴۸}، **جی. دارمستتر**^{۴۹}، و **کی. اف. گلدنر**^{۵۰} طرح‌ریزی شده بودند، این رخدادها مهم‌ترین توسعه و اکتشافات را در قرن بیستم در پی داشتند.^{۵۱} در نخستین دهه‌ی قرن بیستم، کار برجسته و بزرگ **ج. بارتلومه**^{۵۲} منجر به پیدایش یکی از بهترین فرهنگ لغت‌ها در زمینه زبان‌های ایرانی شد که تا کنون به رشته تقریر درآمده است. وی کاری^{۵۳} را که بر روی زبان اوستایی و فارسی باستان تمرکز دارد، به رشته تحریر درآورده است؛ شایان ذکر است که این کار برای تمام زمان‌ها و مکان‌ها یک کارشگفت‌انگیز است.^{۵۴} با چاپ نسخه انتقادی **گلدنر** از اوستا و کار **بارتلومه**، در کنار تفاسیر مشروح او بر واژگان قدیمی ایرانی، مسیر روشنی برای فهم کتاب مقدس زرتشتی فراهم گردید.^{۵۵} اهمیت آثار **گلدنر** و **بارتلومه** با نخستین ترجمه معتبر **بارتلومه** از گات‌های زرتشت آشکار شد.^{۵۶} بر مبنای این آثار، ترجمه‌های جدیدی از سایر بخش‌های مهم اوستا امکان‌پذیر شد. این ترجمه‌ها عبارتند از: **یشت‌ها** توسط **اف. ولف و اچ. لومل**^{۵۷} و همچنین **گات‌ها** توسط **لومل**، **جی. دو چزن - گیلیمین** و **اس. ا. اینسلر**.^{۵۸} با این حال، در نیمه دوم قرن بیستم یک رویکرد جدید نسبت به اوستا، و به خصوص گات‌ها، ایجاد شد که در قرن بیست و یکم به ثمر نشست. رویکرد مقایسه‌ای و دقیق **کارل هوفمان** به مطالب اوستایی، خوانشی دیگر را نسبت به این متون مقدس پدید آورد. وفادارترین پیرو او، **هلموت هومباخ** ترجمه جدیدی از گات‌ها را در سال ۱۹۵۹ تولید کرد.^{۵۹} وی با در نظر گرفتن دستور زبان و مطالعه سروده‌های آن در مقایسه با مطالب ودایی، بیش از آن که بر سنت و دیدگاه‌هایی که درباره پیامبر و اشعارش وجود داشت تمرکز کند بر روی ساختار و زبان تمرکز کرد. در نتیجه، این امر راه را برای نسل بعدی زبان‌شناسان ایرانی که درک ما را از دین زرتشتی و معنی اوستا کاملاً تغییر داده بود، هموار کرد. طلاپه‌داران این گروه جدید زبان‌شناسان عبارت بودند از: **جین کِلنز**^{۶۰}، **اریک پیرارت**^{۶۱} که از **پروودس اُکتر** **اسکرُو**^{۶۲} پیروی می‌کردند. ترجمه **کِلنز** و **پیرارت** از گات‌ها و متون قدیمی اوستا در دهه‌ی ۱۹۸۰ خیر از مرحله جدیدی در زمینه مطالعات اوستایی و زرتشتی می‌داد.^{۶۳}

کِلنز و **پیرارت** در کار سه جلدی‌شان ایده‌های جدیدی را منتشر کردند که خارج از قلمرو مقاله‌ی حاضر است، اما به طور خلاصه می‌توان بیان داشت که آن‌ها نکات زیر را نتیجه گرفته‌اند: این اشعار الهی و روحانی توسط مردی به نام زرتشت سروده نشده است بلکه توسط یک گروه از شاعران سروده شده است. خود این اشعار تا حد بسیار زیادی با سنت‌های ودایی و متون آیینی همدستان هستند؛ این سنت‌ها و متون خیلی کمتر از آن‌چه که زمانی تصور می‌شد، برخوردار از احساس اخلاقی و معنوی هستند. بنابراین، شیوه‌ای که پژوهشگران از طریق آن تلاش کردند تا متن را از سلطه‌ی تعصبات فرهنگی و تاریخی (که در سنت زرتشتیان متأخر انباشته شده بود) رها کنند، معنی و انگیزه اصلی این متون را برای ما آشکار می‌سازد. **کِلنز**،

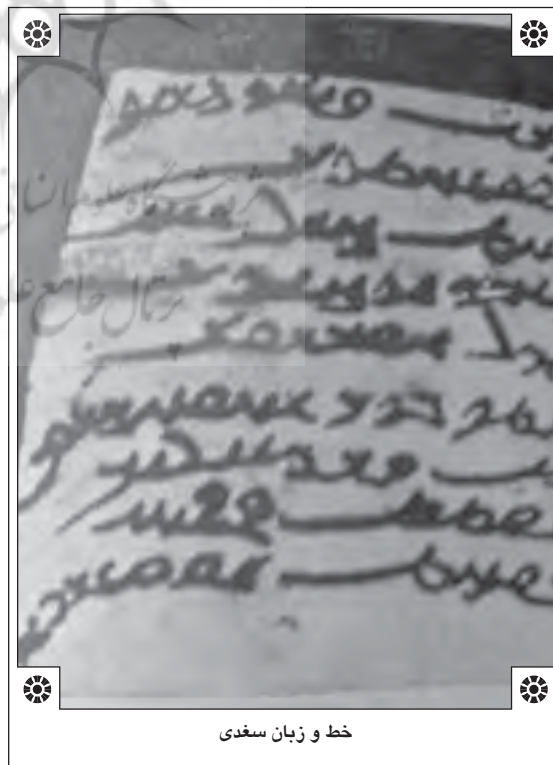
خواهد ماند را فراموش کنیم.^{۴۸} شاگرد قریب، یعنی زرشناس^{۴۹}، دانشجویان بسیاری را در ایران در حوزه ایران میانه آموزش داده است.

باستان‌شناسی و مواد فرهنگی

علاقه به ایران و تمدن باستانی آن از قرن نوزدهم آغاز شد.^{۵۰} این علاقه مربوط به دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ می‌شد که باستان‌شناس، واژه‌شناس و مورخ بزرگ آلمانی، امیل هرتسفلد، به استان فارس علاقمند شد. کار اولیه او مربوط به پاسارگاد بود، اما وی به سرعت توجه خود را به سمت تخت جمشید (پارسه) جهت داد که نتایج شگفت‌انگیزی را به وجود آورد.^{۵۱} با این حال، این اشمیت بود که بین سال‌های ۱۹۳۴ و ۱۹۳۹ کار تاریخی خود را در تخت جمشید (پارسه) آغاز کرد و نتایج آن را در کتابی با همین نام منتشر کرد.^{۵۲} تا قبل از دهه‌ی ۱۹۴۰، هخامنشیان و پرسپولیس (پارسه) به عمده‌ترین نمادهای فرهنگی ایران تبدیل شدند که این امر عمدتاً توسط سلسله پهلوی ترویج داده شد. «هخامنشی سازی»^{۵۳} تاریخ کهن ایرانی به وسیله کاری که در پناهگاه کورش بزرگ در پاسارگاد صورت گرفت، توسعه داده شد.^{۵۴} سپس، امیل هرتسفلد نخستین کارش را در پاسارگاد انجام داد و بعد از آن علی سامی به پیروی از دیوید سترانک اثر تاریخی ماندگاری را برای ایرانیان و جهان در ابعاد گسترده‌ای شناسایی کردند.^{۵۵} این مطالعات و تحقیقات و به ویژه تحقیق علی سامی در سال ۱۹۷۱، جشن شاهنشاهی ۲۵۰۰ ساله ایرانیان (سالگرد کورش بزرگ) را به اوج خود رساند و منشور کورش را به عنوان «نخستین بیانیه حقوق بشر در تاریخ» شناساند. در شیراز کنفرانس

بزرگی تشکیل شد که در اوج نشر اقدامات هخامنشیان تحت عنوان «جشن یادبود کورش» نامگذاری شد، در میان حاضران و سخنرانان، شخصیت‌های برجسته گوناگونی از قبیل آرنولد توین‌بی و دیوید بن گورین حضور داشتند.^{۵۶} سلسله پهلوی سعی در متصل کردن سلطنتش به هخامنشیان و پاسارگاد داشت.^{۵۷} از جمله کارهای انجام شده در دوره‌های پیش از هخامنشی، کار **دمورگان** در شوش در اوایل قرن، کاوش‌های رومن گیرشمن در تپه سیلک، نزدیک کاشان در سال ۱۹۳۰، حفاری‌های هگمتانه در ۱۹۵۰ توسط دایسون^{۵۸}، کاوش‌های آنتشان در اوایل سال ۱۹۷۰ توسط سامنر^{۵۹} و کاوش‌های تپه نوشیجان بین سال‌های ۱۸۷۶ و ۱۹۷۷ توسط استروناخ^{۶۰} را می‌توان ذکر کرد.^{۶۱} در اوایل ۱۹۶۰ حفاری‌های عزت‌الله نگهبان در شمال ایران در تپه مارلیک منجر به کشف تعدادی از اشیاء شگفت‌انگیز طلا شد؛ در امتداد رود گوهر هزاران اشیاء که چند صد تا از آن‌ها طلا بود، کشف شد.^{۶۲} پس از انقلاب ۱۹۷۹ توقیفی در کاوش‌ها به وجود آمد و باستان‌شناسان خارجی از حفاری در ایران ممنوع شدند. با این حال، در اواسط دهه ۱۹۸۰ با رهبری ایرانیان کاوش‌ها دوباره از سر گرفته شد و در مقطعی باستان‌شناسان بریتانیا، فرانسه، ایتالیایی، ژاپنی و آمریکایی به آن‌ها ملحق می‌شدند. برخی از مهم‌ترین یافته‌ها و اکتشافات ساسانیان، بنای بندیان در درگز (دره‌گز) در شمال شرقی خراسان توسط مهدی رهبر و مجموعه کاخ ساسانی در حاجی‌آباد در جنوب ایران توسط محمد آذرنوش حفاری شدند.^{۶۳} در زمینه داده‌های فرهنگی، مخصوصاً مطالعات سکه‌شناسی، مهر و نقش روی آن کار بسیار زیادی انجام شده است. سکه‌شناسی رشته‌ای است که نه تنها توسط دانشمندان بلکه توسط گردآورندگان، عتیقه‌شناسان و علاقمندان مورد بررسی قرار گرفته است. کارهای زیادی در سکه‌شناسی تاریخ ایران باستان انجام شده، از جمله مطالعات توسط جی. د مورگان، اما بیشتر به شهرها، اماکن و یا مسائل خاص توجه شده است. متأسفانه در حوزه‌ی سکه‌شناسی‌شناسی هخامنشی توجه کمتری شده است.

امیل هرتسفلد، نو^{۶۴} و اخیراً استروناخ^{۶۵} و زورناتزی^{۶۶} مسکوکات هخامنشی را مورد مطالعه قرار داده‌اند. این سه محقق در قرن بیستم به ما اطلاعاتی می‌دهند که به طبقه‌بندی و ارائه کتاب راهنمایی برای دوره اشکانیان و ساسانی می‌انجامد. سلوود^{۶۷} در سال ۱۹۷۱ اولین کتاب راهنمای کامل از مسکوکات اشکانیان را گردآوری کرده است.^{۶۸} پاروک^{۶۹}، دانشمند پارسی در نیمه اول قرن بیستم، یک کتابچه راهنمایی برای مسکوکات ساسانیان ارائه کرده است.^{۷۰} سلوود در روش مشابهی، با طرحی زیبا، کار پاروک را به روز کرده است.^{۷۱} با این حال، این گوپل^{۷۲} بود که طبقه‌بندی سیستماتیک از سکه ساسانی بر اساس روش علمی به ما داده است.^{۷۳} اگر کسی در حال حاضر بخواهد شمایی از انواع سکه، افسانه‌ها و علم اللغات نه تنها برای هخامنشی، اشکانیان و ساسانیان بلکه برای سلسله‌های کوچک فلات ایران، داشته باشد ابتدا بایستی از کار بزرگ **الرام**^{۷۴} کمک بگیرد.^{۷۵} مهرها و نشان‌گذاریشان، که معمولاً به عنوان نقش روی مهر^{۷۶} شناخته می‌شوند، بار دیگر توسط محقق بزرگ اتریشی گوپل در روشی سیستماتیک مورد مطالعه قرار گرفتند.^{۷۷} اما در پاریس بود که **گیگنوکس**^{۷۸} و **گیسلن**^{۷۹} نه تنها کار پیشینیان خود را



خط و زبان سغدی

مطالعه‌ی ایران باستان در نیمه‌ی دوم قرن نوزدهم با جدیت تمام در اروپا آغاز شد. این امر مدیون کار زبان‌شناسان آلمانی بر روی اوستا، تلاش صاحب‌منصبان بریتانیایی برای جهت‌دهی پژوهش‌های محققان در مطالعه‌ی کتیبه‌های پارسی باستان و حفاری‌های فرانسوی‌ها در شوش بود

ایران باستان

بیستم در مورد زرتشت پیامبر و جهان بینی و مذهب او توسط محققانی مانند جکسن^{۸۶}، لومل^{۸۷}، نیرگ^{۸۸}، هرتسفلد و هنینگ وجود داشت و تا نیمه دوم قرن بیستم نیز ادامه پیدا کرد، اما کسانی که متوجه اهمیت متن نسبت به سنت شدند، پیروز میدان شدند.^{۸۹} از این رو، با کار درخشان موله^{۹۰} بر روی سنت زرتشتی و مورد مذاقه قرار دادن آیین زرتشتی سنتی و جایگاه «افسانه‌ای» که سنت برای زرتشت در نظر گرفته، کلنز و انجمن را بر آن داشت تا نظریه‌ی عدم وجود زرتشت و یا حتی وجود چندین زرتشت را مطرح کنند. اما در این مورد هیچ داده‌ی تاریخی واقعی در دست نداریم و با یک جهان بینی که از زمان موله توسط مورخان اروپایی و آمریکایی درست فهمیده نشده است.^{۹۱} این مورد مذاقه قرار دادن و نجات دادن زرتشت و دین زرتشتی از سنت‌اش، با مول آغاز شد و در حالی که او خود می‌توانست جعبه پاندورا را باز کند اما او خودش قربانی مخالفت استادش، بنونیست^{۹۲} شد. این به این معنا نیست که استدلالی برای زرتشت تاریخی و پیام پیامبر که راز آن یک قرن پیش توسط زبان‌شناسان اروپایی رمزگشایی شد، وجود ندارد. اشمیت^{۹۳}، اینسلر^{۹۴} و شوارتز^{۹۵} تلاش کرده‌اند تا نشان دهند که گات‌ها کار یک نفره و آن شخصی که این افکار را به یکدیگر بافته، زرتشت است. آن‌ها نسبت به کلنز، پیرارت و اسکرُو و نظریاتشان انتقاد داشتند و انتقاداتشان را نه تنها از طریق استدلال‌های زبان‌شناسی، بلکه از طریق مطالعه سنت هندوایرانی - که همان ابزاری است که مخالفانشان استفاده کرده‌اند - خلاف نظر آن‌ها را نشان داده‌اند. اشمیت و شوارتز سعی کردند که نشان دهند کسی می‌تواند اثری از زرتشت در میان اشعار او ببیند که به مطالعه الگوهای ادبی مانند عرصه‌ی ترکیب، تحریف، صوت‌شناسی، توشیح و سایر تکنیک‌های ادبی بپردازد. در حالیکه اشمیت این رویه را از سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰ رونق داد، اما شوارتز بود که مطالعات اولیه اشمیت را ادامه داد و این تکنیک‌ها را در همه گات‌های زرتشت بکار برد تا پیامبر را از تبدیل شدن به شخصیتی تاریخی اما بدون پیامی انسانی نجات دهد.

تاریخ

در قرن بیستم تاریخ ایران باستان موضوع مهم مطالعه بوده است. در ابتدا کار اومستد^{۹۶} درباره تاریخ هخامنشی، دبواز^{۹۷} درباره تاریخ اشکانیان و کریستین سن درباره تاریخ ایران در دوره ساسانیان از جمله آثار مهم بودند و همچنان از بسیاری جهات مهم محسوب می‌شوند.^{۹۸} با این حال، کشف

با دقت شرح داده، بلکه مجموعه‌ای از نوشتجات کارهای دو دهه گذشته گردآوری کردند که علم کتیبه‌خوانی ساسانیان و ایران باستان را دگرگون کرد.^{۹۹} در ۱۹۸۰، همکاری بین این دو نفر وجود داشت، اما این گیسِلن بود که با پرکاری زیاد در مطالعه مهر و نقش‌های روی مهر به نتایج شگفت‌آوری رسید.^{۸۱} بر اساس این داده‌ها ما درک بهتری از ساختار اداری امپراتوری ساسانیان و همچنین از مقامات و درجات مختلفی که وجود داشت، داریم. اهمیت این مهر و نقش‌های روی مهر این است که - در حالی که برخی از این ادارات در منابع ادبی ذکر شده‌اند - داده‌های فرهنگی را اثبات، تصحیح و در بسیاری از موارد، اطلاعات جدیدی از ادارات و مقامات فراهم می‌کند.

مذهب

برخی از مسائل مربوط به دین زرتشتی در بخش «زبان‌شناسی و مذهب ایرانیان» مطرح شد. به عنوان مثال کلنز و اثرش همراه با پیرارت مورد بحث قرار گرفتند، اما اهمیت نتیجه‌گیری‌اش توجه بیشتری را ایجاد می‌کند. در اوایل قرن بیستم، با گسترش زبان‌شناختی ایرانیان و متون کشف شده، درک بهتر از دین زرتشتی بدست آمد. مری بویس طرفدار اصلی مطالعه آیین زرتشتی از منظر سنت درونی بود که متون پهلوی بسیاری از سنت‌های قدیمی‌تر را اثبات کرده بود. او پرکارترین و بهترین متخصص در زمینه آیین زرتشتی شناخته شده است.^{۸۲} پیروان و شاگردانش، مانند راسل، سنت زرتشتی‌ان را در ارمنستان مورد مطالعه قرار دادند، در حالی که دیگران مشغول به کار بروی هند و همچنین ایران بودند.^{۸۳} اما عقاید بویس در تقابل زیادی با زبان‌شناسانی مانند کلنز، پیرارت و اسکرُو بود که معتقد بودند لزوماً نباید به سنت زرتشتیان اعتماد داشت، هم‌چنان که بعدها به خصوص در دوره ساسانیان و در نحوه تأمل‌شان به گذشته مشخص شد. تا اندازه‌ای مطالعه انتقادی از متون اوستای قدیمی بدون در نظر گرفتن سنت‌های درونی‌اش، دید بسیار متفاوتی از آنچه آیین زرتشتی بود و آنچه که در آغاز بوده را منجر می‌شود. هنگامی که سه زبان‌شناس مذکور، متن را از قید و بند سنت آزاد کردند، توانستند دیدگاه‌های «سنتی» را که توسط بویس و همراهانش حمایت می‌شد را تجزیه و تحلیل کنند. تأثیر و تجلی گروه کلنز را می‌توان در مطالعات مفصل و قاطع استاوزبرگ^{۸۴} مشاهده نمود که اکنون از بسیاری جهات، یک محقق برجسته آیین زرتشتی به حساب می‌آید.^{۸۵} بدین ترتیب، در حالی که بحث‌های داغی در اوایل قرن

مراجعه‌کننده‌ها باز است. این قطعاً مسیر آینده است، چنان‌که اینترنت در حال حاضر تبدیل به یک منبع مهم برای مطالعه تاریخ ایران باستان شده است.^{۱۳۷} در مورد تاریخ ساسانیان، بینش‌های جدیدی از این دوره بوسیله‌ی آثار باستان‌شناسی و فرهنگی که در بالا ذکر گردید، میسر شد. با این حال، تنها یک کتاب به زبان اروپایی در تاریخ ساسانیان نوشته شده است که متعلق به شییمان بوده و بر تاریخ سیاسی این دوره تمرکز دارد.^{۱۳۸} اثر **الرام** و **گیگوس**^{۱۳۹} به اندازه کافی از منابع جدید برخوردار بوده است تا بتواند در قالب نشریه یک جلد جدیدی در باب تاریخ ساسانیان در آید.^{۱۴۰} در آخر باید وب سایت ساسانیکا را اشاره نمود که گوی سبقت را از Achemenet.com و Parthia.com گرفته است و آموزش، یادگیری و پژوهش‌ها و آثار تازه درباره ایران ساسانی را در یک جا گردآوری کرده است.^{۱۴۱} نباید این واقعیت نادیده گرفته شود که حجم کتاب‌های ویرایش شده ایران باستان به همراه مجموعه مقالات و کتاب‌های ماندگار موجود، به نظر می‌رسد به طور فزاینده‌ای دستیابی به فهرست کامل کتب در این حوزه را بسیار دشوار می‌کند. بنابراین این وظیفه بر دوش مؤسسات، پژوهشگران و علاقه‌مندان به تاریخ ایران است تا در این حوزه کوچک بتوانند برخی از دستاوردهای خارق‌العاده از دوره‌ی هخامنشیان، اشکانیان و ساسانیان را بشناسانند. شناخت این مهم به منظور درک توسعه تمدن جهان ضروری است که در آن ایران نقش قابل توجه داشته اما تأثیر آن هنوز ناشناخته مانده است.

پی‌نوشت

- 1 - The Study of Ancient Iran in the Twentieth Century, Iranian Studies, volume 42, number 4, September 2009.
۲. دانشیار تاریخ دانشگاه کالیفرنیا در فولرتون و متخصص تاریخ ایران باستان. برای اطلاعات بیشتر در این مورد نگ به سایت:
<http://www.rasekhoon.net/mashahir/Show۹۰۳۴۲۷-.aspx>
۳. دانشجوی دوره‌ی دکتری تاریخ ایران باستان دانشگاه تهران.
- 4 - E.W. West
- 5 - J. Darmesteter
- 6 - K.F. Geldner
- 7 - Pahlavi or Middle Persian texts translated by E.W. West are in the series, F.M. Müller, ed. Sacred Books of the East, Vols. 5, 18, 24, 37, 47; J. Darmesteter, The Zend-Avesta, Sacred Books of the East, Vols. 4, 23, 31 (New York, 1900); K.F. Geldner, Avesta. The Sacred Books of the Parsis (Stuttgart, 1889-1896).
- 8 - Ch. Bartholomae
- ۹ - عنوان این کار عبارت است از: Altiranisches Wörterbuch

بایگانی استحکاماتی تخت جمشید و متون آیینی آرامی، موجب پیدایش درک جدیدی از تاریخ پارسیان هخامنشی شد. همچنین کار بر روی اسناد مصری، عیلامی و بابلی به تدریج دید بهتری از رویدادها و تاریخ هخامنشی به ما داد که در بعضی موارد عاری از تعصبات یونانی بودند و یا به عنوان اصلاح‌کننده آن‌ها محسوب می‌شوند.

این پیشرفت‌ها موجب پیدایش آثار مهمی مانند آثار **داندامایف**^{۹۹} و اثری دیگر از وی با همکاری **لوکونین**^{۱۰۰} و در نهایت پیدایش مرحله جدیدی از مطالعات هخامنشی گردید.^{۱۰۱} انتشارات **گرونینگن**^{۱۰۲} در زمینه‌ی تاریخ هخامنشی در سال ۱۹۸۷ تحت نظارت سانشزی ویردنورگ^{۱۰۳} شروع به کار کرد و پس از مرگ زودرس او همچنان ادامه یافت، بطوریکه که یازده تا از سیزده جلد این کار تا قبل از قرن ۲۱ منتشر شد. جلدها با موضوعاتی چون بررسی منابع یونانی، منابع و ساختار امپراتوری هخامنشی، روش و تئوری و مرکز و پیرامون سر و کار دارد.^{۱۰۴} همچنین باید به فهرست کتب **ویسهوفر**^{۱۰۵} و **ویر**^{۱۰۶} در زمینه‌ی تاریخ امپراتوری هخامنشی اشاره نمود؛ زیرا بهترین کتاب‌شناسی‌ها را از هر دوره از تاریخ ایران باستان انجام داده‌اند.^{۱۰۷} **پیر بریان**^{۱۰۸}، در کتاب ماندگار خود، از کورش تا اسکندر، به تغییرات اساسی، نو نما کردن و بازسازی تاریخ هخامنشیان پرداخت.^{۱۰۹} پروژه‌ی اینترنتی و انتشار نشریه پرسیک^{۱۱۰} او محققان را در کار کردن زمینه‌های گوناگون امپراتوری هخامنشی از دیدگاه‌های مختلف و با استفاده از انواع مختلف مدارک، را گرد هم آورد.^{۱۱۱}

برای دوره هلنیسم و سلوکی‌ها، مهم‌ترین کار، اثر **کورت**^{۱۱۲} و **شروین** - **وایت**^{۱۱۳}، است که به طور کامل درک ما و نگاه مورخان در این دوره از تاریخ ایران را تغییر داده است.^{۱۱۴} همچنین، **پیر بریان** به مطالعه اسکندر بزرگ در بستر تاریخ ایران پرداخته و از او تنها به عنوان آخرین شاه هخامنشی و رؤیای ایرانی از یک امپراطوری جهانی یاد می‌کند. در مورد تاریخ اشکانیان توجه بسیار کمتری در مقایسه با تاریخ هخامنشیان و یا ساسانیان شده است. درین باره، تاریخ اشکانیان ولسکی^{۱۱۵} و بسیاری از کارهای تاریخی‌اش و استمرار آن‌ها توسط شاگردانش در لهستان، از جمله **دایر**^{۱۱۶} و مجله عالی او **الکتروم**^{۱۱۷} معرفتی جدید از این سلسله‌ی ایرانی را ایجاد کرده است.^{۱۱۸} **ویسهوفر** که در تمام سه دوره از تاریخ ایران باستان درگیر بوده است، مجموعه‌ای از مقالات توسط متخصصان در این زمینه را گرد هم آورده و به ارزیابی و تعریف منابع و مستندات در دسترس مربوط به امپراتوری اشکانیان پرداخته است.^{۱۱۹}

به‌ویژه یادداشت‌های روزانه نجومی بابلی، یک منبع جدید بسیار مهم برای تاریخ سلوکی و اوایل اشکانیان است که حاکی از آن است که در آن زمان خط میخی هنوز هم در بین‌النهرین مورد استفاده قرار می‌گرفت؛^{۱۲۰} مجله **پارتیکا**^{۱۲۱} به سردبیری **اینورنیزی**^{۱۲۲}، به محل مهمی برای مطالعه تاریخ اشکانیان تبدیل شده است.^{۱۲۳} اما تنها **شییمان**^{۱۲۴} است که تاریخ سیاسی اشکانیان را در یک بررسی مهم در روابط ایران و روم مورد مطالعه قرار داده است.^{۱۲۵} در نهایت، باید وب سایت Parthia.com، از **هایکینز**^{۱۲۶} را ذکر کرد که یک منبع با ارزش برای مطالعه امپراتوری اشکانیان و برای همه



- 28 - Walter B. Henning,
29 - Friedrich Carl Andreas.
Nachlass - عنوان این مطالعه عبارت است از: ۳۰
- 31 - Acta Iranica
32 - W.B. Henning, Selected Papers, Acta Iranica, vols. 5 & 6 (Tehran-Liege, 1977).
33 - D.N. MacKenzie
34 - G. Azarpay
35 - M. Schwartz
36 - F.C. Andreas and W. Henning, "Mitteliranische Manichaica aus Chinesisch-Turkestan II" SPAW (1933): 294-363 and "Mitteliranische Manichaica aus Chinesisch-Turkestan III" SPAW (1934): 848-912; M. Boyce, The Manichaean Hymn-Cycles in Parthian (London, 1954); M. Boyce, "A Reader in Manichaean Middle Persian and Parthian," Acta Iranica, vol. 9 (Tehran-Liege, 1975) and "A word-list of Manichaean Middle Persian and Parthian," Acta Iranica, vol. 9a (Tehran-Liege, 1977).
37 - D.N. MacKenzie, The Buddhist Sogidan Texts of the British Library, Acta Iranica (Tehran-Liege, 1976), D.N. MacKenzie, Kurdish Dialect Studies I & II (London, 1961, 1962); D.N. MacKenzie, A Concise Pahlavi Dictionary (London, 2000).
38 - Werner Sundermann
39 - N. Sims-Williams
40 - W. Sundermann, Mittelpersische und parthische kosmogonische und Parabeltexte der Manichäer. Mit einigen Bemerkungen zu Motiven der Parabeltexte von Fr. Geissler, Berliner Turfantexte, vol. 4 (Berlin, 1973); W. Sundermann, "Ein weiteres Fragment aus Manis Gigantenbuch," Orientalia J. Duchesne-Guillemin emerito oblata, Acta Iranica, 23 (Leiden, 1984): 491-505; W. Sundermann, Der Sermon vom Licht-Nous. Eine Lehrschrift des östlichen Manichäismus, Berliner Turfantexte, vol. 17 (Berlin, 1992); W. Sundermann, Mitteliranische manichäische Texte kirchengeschichtlichen Inhalts mit einem Appendix von N. Sims-Williams, Berliner Turfantexte, vol. 11 (Berlin, 1981); N. Sims-Williams, The Christian Sogdian manuscript C2, Berliner Turfantexte, vol. 12 (Berlin, 1985).
41 - Khotan
42 - Sten Konow
10 - Ch. Bartholomae, Altiranisches Wörterbuch (Strassburg, 1904).
11 - Ch. Bartholomae, Zum Altiranischen Wörterbuch. Nacharbeiten und Vorarbeiten (Strassburg, 1906).
12 - Ch. Bartholomae, Die Gatha's des Avesta, Zarathushtra's Verspredigten (Strassburg, 1905).
13 - F. Wolff and H. Lommel
14 - Lommel, J. Duchesne-Guillemin, and S. Insler
15 - F. Wolff, Avesta: Die heiligen Bücher der Parsen übersetzt auf der Grundlage von Chr. Bartholomae's Altiranischem Wörterbuch (Strassburg, 1910); H. Lommel, Die Ya's't's des Avesta (Göttingen, 1927); H. Lommel, Die Gathas des Zarathustra (Basel, 1971); J. Duchesne-Guillemin, The Hymns of Zarathustra (Boston, 1963); J. Duchesne-Guillemin, The Hymns of Zarathustra (Boston, 1963); S. Insler, The Gāthās of Zarathustra (Tehran-Liege, 1975).
16 - H. Humbach, Die Gathas des Zarathustra, 2 vols (Heidelberg, 1959).
17 - Jean Kellens
18 - Eric Pirart
19 - Prods Oktor Skjarvo
20 - J. Kellens and E. Pirart, Les texts vieil-avestiques (Wiesbaden, 1988-1990).
21 - Asiatique
22 - For a review of the recent studies see the important work of P.O. Skjarvo, "The State of Old Avestan Scholarship," Journal of the American Oriental Society 117, no. 1 (1997): 103-114.
23 - R.G. Kent, Old Persian Grammar, Texts, Lexicon (Connecticut, 1950).
24 - P. Lecoq, Les inscriptions de la Perse achéménide (Paris, 1997).
25 - Rudiger Schmitt
26 - R. Schmitt, "Altpersisch-Forschung in den Siebzigerjahren," Kratylos 25 (1980): 1-66.
27 - R. Schmitt, The Bisitun Inscriptions of Darius the Great, Corpus Inscriptionum Iranicarum I, I, Texts I (London, 1991); The Old Persian Inscriptions of Naqsh-e Rostam and Persepolis, Corpus Inscriptionum Iranicarum I, Texts II (London, 2000).

- 56 - Commemoration Cyrus: Hommage Universel, Acta Iranica, 3 vols. (Tehran-Liege, 1974).
- 57 - For the Pahlavi use of ancient Iran see, K. Abdi, "Nationalism, Politics, and the Development of Archaeology in Iran," American Journal of Archaeology 105, no. 1 (2001): 51-76.
- 58 - R.H. Dyson
- 59 - W. M. Sumner
- 60 - D. Stronach.
- 61 - J. de Morgan, "Ruines de Sus," M.D.P. I (Paris, 1900): 50-54 and J. de Morgan, La De'le'gation en Perse du Ministe'a' re de l'instruction publique 1897 a` 1902 (Paris, 1902); J. de Morgan, "Observations sur les couches profondes de l'Acropole de Suse," M.D.P. XIII (Paris, 1912): 1-25; R. Ghirshman, Fouilles de Sialk, pre's de Kashan, 1933, 1934, 1937 (Paris, 1938); R. H. Dyson, Jr., "Iran, 1956," University Museum Bulletin 21, no. 1 (Philadelphia, 1957): 27-39; W.M. Sumner, "Excavations at Tall-i Malyan, 1971-72," Iran 12 (1974): 155-180; D. Stronach, "Tepe Nush-I Jan: A Mound in Media," The Metropolitan Museum of Art Bulletin 27, no. 3 (1968): 177-186.
- 62 - E. Negahban, Metal vessels from Marlik, (Munich, 1983); E. Negahban, Excavations at HaftTepe, Iran (Philadelphia, 1991); E. Negahban, Weapons from Marlik (Berlin, 1995); E. Negahban, Marlik : The Complete Excavation Report, University Museum Monograph 87 (Pennsylvania, 1995).
- 63 - For a comprehensive survey of fieldwork in Iran in the past three decades see A. Mousavi, "A Survey of the Archaeology of the Sasanian Period During the Past Three Decades," e-Sasanika 1(2008) (<http://www.sasanika.com>); M. Azarnoush, The Sasanian Manor house at Hajjiabad, Iran (Florence, 1994).
- 64 - SP. Noé
- 65 - D. Stronach
- 66 - A. Zournatzi
- 67 - D. Sellwood
- 68 - E. Herzfeld, "Notes on the Achaemenid Coinage and Some Sasanian Mint-Names," Transactions of the International Numismatic Congress (London, 1938);
- 43 - Sten Konow and H.W. Bailey
- 44 - R.E. Emmerick
- 45 - Sten Konow, "The Arapacana Alphabet and the Sakas," Acta Orientalia 12 (1934): 13-24; Codices khotanenses (Copenhagen, 1938); Khotanese Texts (Cambridge, 1945); Khotanese Buddhist Texts (London, 1951); Dictionary of Khotan Saka (Cambridge, 1979); The Culture of the Sakas in Ancient Iranian Khotan (New York, 1982); R.E. Emmerick, Saka Grammatical Studies (Oxford, 1968); The Book of Zambasta: A Khotanese Poem on Buddhism (Oxford, 1968).
- 46 - N. Sims-Williams
- 47 - B.Z. Gharib
- 48 - B. Gharib, Sogdian Dictionary (Tehran, 1994).
- 49 - Z. Zarshenas
- 50 - For a study of the history of archaeology in Iran, See Ali Mousavi and Nader Nasiri- Moghaddam, "Les Hauts et les Bas de l'Arche'ologie en Iran," La Pense'e de Midi 27 (2009): 137-143.
- 51 - E. Herzfeld, Archaeological History of Iran. The Schweich Lectures of the British Academy 1934 (London, 1935). See also, A. Mousavi, "Ernst Herzfeld, Politics, and Antiquities Legislation in Iran," Ernst Herzfeld and the Development of Near Eastern Studies, 1900-1950 (Boston, 2004): 445-475.
- 52 - E. Schmidt, Persepolis I: Structures, Reliefs, Inscriptions (Chicago, 1953); Persepolis II: Contents of the Treasury and Other Discoveries (Chicago, 1957); Persepolis III: The Royal Tombs and Other Monuments (Chicago, 1970); The Treasury of Persepolis and Other Discoveries in the Homeland of the Achaemenians, Oriental Institute 21 (Chicago, 1939).
- 53 - Achaemenidization
- 54 - For the importance of Cyrus the Great for the Pahlavi Dynasty, see A. Marashi, Nationalizing Iran: Culture, Power & the State, 1870-1940 (Washington, 2008): 3-5.
- 55 - E. Herzfeld, "Pasargadae: Untersuchungen zur persischen Archaologie," Klio 8 (1908) 1:68; A. Sami, Pasargadae: The Oldest Imperial Capital of Iran (Shiraz, 1956); D. Stronach, Pasargadae: A Report on the Excavations Conducted by the British Institute of Persian Studies from 1961 to 1963 (Oxford, 1978).

- came' es et bulles sassanides de la Bibliothe' que Nationale et Muse' e du Louvre" (Paris, 1993).
- 82 - M. Boyce, A History of Zoroastrianism (Leiden, 1989).
- 83 - J.R. Russell, Zoroastrianism in Armenia (Cambridge, 1987).
- 84 - M. Stausberg
- 85 - M. Stausberg, Die Religion Zarathustras. Geschichte – Gegenwart – Rituale, 3 vols. (Stuttgart, 2004).
- 86 - A.V. Williams Jackson
- 87 - H. Lommel
- 88 - H.S. Nyberg
- 89 - A.V. Williams Jackson, Zoroaster (New York, 1899); H. Lommel, Die Religion Zarathustras (Tübingen, 1930); E. Herzfeld, Zoroaster and his world (Princeton, 1947); H.S. Nyberg, Die Religionen des alten Iran (Leipzig, 1938); W.B. Henning, Zoroaster, politician or witch-doctor? (London, 1949).
- 90 - M. Mole's
- 91 - M. Mole', Culte, mythe et cosmologie dans l'Iran ancien (Paris, 1963); See Kellens's discussion in his inaugural lectures, Essays on Zarathustra and Zoroastrianism, translated into English by Prods O. Skjarvo (Costa Mesa, 2000).
- 92 - E. Benvenist
- 93 - H.-P. Schmidt
- 94 - S. Insler
- 95 - M. Schwartz
- 96 - A.T. Olmstead
- 97 - N.C. Debevoise
- 98 - A.T. Olmstead, History of the Persian Empire (Chicago, 1959); N.C. Debevoise, A Political History of Parthia (Connecticut, 1970); A. Christensen, L'Iran sous les Sasanides, 2nd ed. (Copenhagen, 1944).
- 99 - M.A. Dandamaev
- 100 - V.G. Lukonin
- 101 - M.A. Dandamaev, A Political History of the Achaemenid Empire (Leiden, 1997); M.A. Dandamaev and V.G. Lukonin, The Culture and Social Institutions of Ancient Iran (New York, 2004).
- 102 - Groningen
- 103 - H. Sancisi - Weerdenburg
- A. Zournatzi, "The Processing of Gold and Silver Tax In the Achaemenid Empire: Herodotus 3.96.2 and the Archaeological Realities," *Studia Iranica* 29 (2000); D. Stronach, "Early Achaemenid Coinage: Perspectives From The Homeland," *Iranica Antiqua* 24 (Gent, 1989); S. P. Noe, "Two Hoards of Persian Sigloi," *American Numismatic Society NNMNo.* 136 (New York, 1956); David Sellwood, *An Introduction to the Coinage of Parthia*, 1971 (London, 1980); D. Stronach, "Early Achaemenid Coinage: Perspectives From The Homeland," *Iranica Antiqua* 24 (Gent, 1989).
- 69 - F.D.J. Paruck
- 70 - F.D.J. Paruck, *Sasanian Coins* (Bombay, 1924).
- 71 - D. Sellwood, P. Whitting and R. Williams, *An Introduction to Sasanian Coins* (London, 1985).
- 72 - R. Göbl
- 73 - Robert Göbl, *Sasanian Numismatics* (Braunschweig, 1971).
- 74 - M. Alram
- 75 - M. Alram, *Iranisches Personennamenbuch: Nomina Propria Iranica In Nummis* (Wien, 1986).
- 76 - bullae
- 77 - Robert Göbl, *Der Sasanidische Siegelkanon* (Braunschweig, 1971).
- 78 - Ph. Gignoux
- 79 - R. Gyselen
- 80 - Among the many works of these scholars, one can point to P. Gignoux, "Les Quatre Inscriptions du Mage Kirdīr," *Studia Iranica* cahier 9 (1991); R. Gyselen, "Nouveaux Matériaux Sigillographiques pour la Géographie Administrative de l'Empire Sassanide: sceaux administratifs de la collection Ahmad Saedi" *Studia Iranica*, cahier 24 (Paris, 2002); A. Saedi, "Sasanian Seals and Sealings", *Acta Iranica*, (2007); P. Gignoux, *Pad nam i yazdan: Etudes d'épigraphie, de numismatique et d'histoire de l'Iran ancien* (1979).
- 81 - R. Gyselen, *La Géographie Administrative de L'Empire Sassanide - Les Temoignages Sigillographiques, Res Orientales I* (Paris, 1989); Ph. Gignoux, "Bullet et sceaux sassanides de diverse collections" *Cahiers de Studia Iranica* 4 (Paris, 1987); Ph. Gignoux, "Catalogue des sceaux,

- 114 - S. Sherwin-White, From Samarkand to Sardis: A New Approach to the Seleucid Empire, Amelie Kuhrt, (California Press, 1992).
- 115 - J. Wolski's
- 116 - E. Dabrowa
- 117 - Electrum
- 118 - J. Wolski, L'Empire des Arsacides (Gent, 1993); Electrum, Studies in Ancient History (1996).
- 119 - J. Wiesehofer, ed., Das Partherreich und seine Zeugnisse - Beiträge des Internationalen Colloquiums, Eutin (27-30 Juni 1996) Historia-Einzelschriften 122 (Stuttgart, 1998).
- 120 - B. van der Spek, "New Evidence from the Babylonian Astronomical Diaries Concerning Seleucid and Arsacid history," Archiv für Orientforschung, vols. 44/45 (1997/1998): 167-175. So far six volumes have been published under the title, Astronomical Diaries and Related Texts from Babylonia, by H. Hunger, where the latest volume has been published by Eisenbrauns while the older volumes were published by the Austrian Academy.
- 121 - Parthica
- 122 - A. Invernizi
- 123 - Parthica, Cultural Encounters in the Ancient World, published in Torino, Italy since 1999.
- 124 - K. Schippmann
- 125 - K. Schippmann, Grundzuge der parthischen Geschichte (Darmstadt, 1980).
- 126 - C.D. Hopkins
- 127 - <http://www.parthia.com>.
- 128 - K. Schippmann, Grunzu"ge der Sasanidische Reich (Darmstadt, 1986).
- 129 - Alram
- 130 - Gignoux
- 131 - T. Daryaee, Sasanian Persia, The Rise and Fall of an Empire (London, 2009); also, Sasanian Iran (224-651CE): Portrait of a Late Antique Empire (Costa Mesa, 2009).
- 132 - <http://www.sasanika.com>.
- 104 - H. Sancisi-Weerdenburg, Sources, Structures and Syntheses, Proceedings of the Groningen 1983 Achaemenid History Workshop (Leiden, 1987); H. Sancisi-Weerdenburg, The Greek Sources, Proceedings of the Groningen 1984 Achaemenid History Workshop (Leiden, 1987); H. Sancisi-Weerdenburg and A. Khurt, Method and Theory, Proceedings of the London 1985 Achaemenid History Workshop (Leiden, 1988); H. Sancisi-Weerdenburg and J.W. Drijvers, The Roots of the European Tradition, Proceedings of the 1987 Groningen Achaemenid History Workshop (Leiden, 1990); H. Sancisi-Weerdenburg and A. Khurt, Centre and Periphery, Proceedings of the Groningen 1986 Achaemenid History Workshop (Leiden, 1990); H. Sancisi-Weerdenburg and J.W. Drijvers, Through Travellers' Eyes, Proceedings of the Groningen 1989 Achaemenid History Workshop (Leiden, 1990); H. Sancisi-Weerdenburg and A. Kuhrt, Asia Minor and Egypt: Old Cultures in a New Empire, Proceedings of the Groningen 1988 Achaemenid History Workshop (Leiden, 1991); H. Sancisi-Weerdenburg, A. Kuhrt and M.C. Root, Continuity and Change, Proceedings of the Last Achaemenid History Workshop, 6-8 April 1990 (Ann Arbor, 1994); P. Briant, Histoire de l'empire perse de Cyrus a` Alexandre (Leiden, 1996); M. Brosius and A. Kuhrt, eds, Studies in Persian History Essays in Memory of David M. Lewis (Leiden, 1998); M.B.Garrison and A.Kuhrt, Persepolis Seal Studies: An Introduction with Provisional Concordances of Seal Numbers and Associated Documents on Fortification Tablets 1-2087 (Leiden, 1998).
- 105 - J. Wiesehofer
- 106 - U. Weber
- 107 - J. Wiesehofer and U. Weber, Das Reich der Achaimeniden: Eine Bibliographie, AMI Ergaenzungsband 15 (Berlin, 1996).
- 108 - P. Briant
- 109 - P. Briant, Histoire de l'Empire Perse. De Cyrus a` Alexandre (Paris, 1996).
- 110 - Persika
- 111 - <http://www.achemenet.com>.
- 112 - A. Khurt
- 113 - S. Sherwin-White